



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بجثمان در این بود که در جهاد اسلام نظر خاصی به فرماندهی کلی که جهاد زیر نظر او انجام می گیرد دارد و به هر کسی اجازه نمی دهد که جهاد را در زیر نظر و تحت امر خودش انجام بدهد بلکه جهاد باید زیر نظر امام عادل صورت بگیرد، عرض کردیم اخبار ۱ و ۲ و ۵ و ۸ و ۱۰ از باب ۱۲ از ابواب جهاد العدو دلالت داشتند بر اینکه "لا جهاد إلا مع امام العادل و مفترض الطاعة"، اخبار ۳ و ۶ و ۸ از همین باب ۱۲ از ابواب جهاد العدو علاوه بر ذکر این مطلب که جهاد باید تحت نظر امام عادل باشد علت این مطلب را نیز اینطور ذکر کرده که بنی امیه و بنی عباس جهاد را ضایع کرده بودند و از مسیر خودش خارج کرده بودند و همچنین در خبر ۸ از باب اول از ابواب جهاد العدو نیز همین مطلب ذکر شده، خبر این است: ﴿وَعنه، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن محبوب، عن بعض أصحابه قال: كتب أبو جعفر عليه السلام في رسالته إلى بعض خلفاء بني أمية: ومن ذلك ما ضيع الجهاد الذي فضله الله عز وجل على الأعمال، وفضل عامله على العمال تفضيلاً في الدرجات والمغفرة والرحمة، لأنه ظهر به الدين، وبه يدفع عن الدين، وبه اشترى الله من المؤمنين أنفسهم وأموالهم بالجئمة ببيعا مفلحا منجحا، اشترط عليهم فيه حفظ الحدود، وأول ذلك الدعاء إلى طاعة الله من طاعة العباد، وإلى عبادة الله من عبادة العباد، وإلى ولاية الله من ولاية العباد، فمن دعى إلى الجزية فأبى قتل وسي أهله، وليس الدعاء من طاعة عبد إلى طاعة عبد مثله، ومن أقر بالجزية لم يتعد عليه ولم تخفر ذمته وكلف، دون طاقته، وكان الفئ للمسلمين عامة غير خاصة، وإن كان قتال وسي سیر في ذلك بسيرته، وعمل فيه في ذلك بسنته من الدين ثم كلف الأعمى والأعرج والذين لا يجدون ما ينفقون على الجهاد بعد عذر الله عز وجل إياهم، ويكلف الذين يطيقون ما لا يطيقون، وإنما كان "كانوا" أهل مصر يقاتل من يليه يعدل بينهم في البعوث فذهب ذلك كله حتى عاد الناس رجلين: أجير مؤتجر بعد بيع الله، ومستأجر صاحبه غارم بعد عذر الله وذهب الحج وضيع، وافترق الناس فمن أعوج ممن عوج هذا، ومن أقوم ممن

أقام هذا؟ فرد الجهاد على العباد وزاد الجهاد على العباد إن ذلك خطأ عظيم^۱.

کلینی از طبقه ۹ عن محمد بن احمد بن یحیی که از اساتید مهم کلینی و از طبقه ۸ می باشد عن احمد بن محمد بن عیسی که از رجال مهم طبقه ۷ است عن حسن بن محبوب که از طبقه ۶ می باشد عن بعض اصحابنا که معلوم نیست چه کسانی هستند لذا این خبر ارسال به ابهام واسطه دارد ولی مورد عمل فقهاء ما می باشد.

همان طور که می بینید در خبر مذکور حضرت فرموده بنی امیه جهاد را ضایع کرده اند و حتی حضرت فرموده آنها حج را نیز ضایع کرده اند و همین علت است برای اینکه جهاد باید زیر نظر امام عادل باشد.

مطلب دیگر اینکه حالا که گفته شده "لا جهاد إلا مع امام العادل" باید ببینیم فقهاء ما در این رابطه چه فرموده اند، فقهاء ما چند دسته شده اند؛ عده ای فرموده اند با توجه به روایات مذکور در زمان غیبت جهاد واجب نیست درحالی که ما جهاد را هشت قسم کردیم و گفتیم که این هشت قسم از کلام امام رضوان الله علیه نیز استفاده می شود؛ اول جهاد برای نجات مستضعفان، دوم جهاد برای رفع فتنه، سوم جهاد برای اجراء عدالت، چهارم جهاد برای نشر اسلام و از میان برداشتن کفر و نفاق و صهیونیست، پنجم جهاد برای جلوگیری از آسیب هائی که ممکن است برای مسلمانان رخ دهد، ششم جهاد با بغا که دو نوع است؛ اول کسانی که در مقابل حکومت اسلامی ایستاده اند مثل معاویه در مقابل حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام و دوم اینکه اگر دو طائفه از مسلمانان با هم در افتادند مسلمانان وظیفه دارند که نگذارند این جریان ادامه پیدا کند و باید در مقابل باغی بایستند، هفتم جهاد برای تاسیس حکومت اسلامی که قیام سیدالشهداء برای از میان برداشتن سلطان جائر و تشکیل حکومت اسلامی از همین قسم می باشد، علی آئی حال بحث ما فعلا در این است

^۱ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۱، ص ۶، ابواب جهاد العدو، باب ۱، حدیث ۸، ط الإسلامیة.

که روایاتی که می گویند "لا جهاد إلا مع امام عادل" چه چیزی می خواهد بگوید؟.

عرض کردیم فقهاء ما چند دسته شده اند؛ عده ای گفته اند لازمه "لا جهاد إلا مع امام عادل" این است که در زمان غیبت جهاد نباشد زیرا امام عادل یعنی معصوم، صاحب جواهر در جلد ۲۱ جواهر صفحه ۱۳ به بعد می فرماید صاحب ریاض و صاحب مسالک گفته اند در زمان غیبت امام معصوم جهاد وجود ندارد و مقتضای نصوص و فتاوا این است که در زمان غیبت برای جهاد به نائب غیبت یعنی فقیه اکتفاء نشود، کلام صاحب جواهر این است: «إلی غیر ذلك من النصوص التي مقتضاها كصريح الفتاوى عدم مشروعية الجهاد مع الجائر وغيره، بل في المسالك وغيرها عدم الاكتفاء بنائب الغيبة، فلا يجوز له توليه بل في الرياض نفي علم الخلاف فيه حاكيا له عن ظاهر المنتهى وصریح الغيبة إلا من أحمد في الأول، قال وظاهرهما الاجماع، مضافا إلى ما سمعته من النصوص المعتمدة وجود الإمام، لكن إن تم الاجماع المزبور فذاك، وإلا أمكن المناقشة فيه بعموم ولاية الفقيه في زمن الغيبة الشاملة لذلك المعتضدة بعموم أدلة الجهاد، فترجح علی غيرها»^۱.

یک دسته از أدله ما عموماتی هستند که در قران و روایاتمان ذکر شده اند و مردم را به جهاد در مقابل کفار و ظالمین تشویق و تحریک کرده اند و بر وجوب جهاد دلالت دارند و در آنها هیچ شکی نداریم، اما از طرف دیگر روایاتی داریم که در آنها گفته شده: "لا جهاد إلا مع امام عادل" که در اینها نیز شکی نیست و این روایات بر آن عمومات حکومت دارند، ما چهار چیز داریم؛ تخصص و تخصیص و ورود و حکومت، تخصص جائی است که چیزی موضوعاً از تحت عام خارج است مثلاً وقتی گفته شده اکرم العلماء جهال موضوعاً خارج هستند، تخصیص جائی است که دلیلی می آید و گروهی را از تحت عام خارج می کند مثل اکرم العلماء ولا تکرم النحویین، ورود جائی است که بقیام أحد الدلیلین موضوع دلیل آخر تکویناً و حقیقتاً از بین برود مثلاً گفته شده "رفع عن أمتی ما لا یعلمون" و بعد یک دلیل علمی می آید و می گوید فلان چیز حرام است،

اما حکومت جائی است که أحد الدلیلین تشریعاً و تنزیلاً در دلیل آخر تصرف کند نه تکویناً و حقیقتاً، گاهی لسان لسان نفی است و گاهی لسان لسان اثبات است مثلاً گفته می شود "لا شک لکثیر الشک" که این بر أدله ای که برای شکوک ذکر شده حکومت دارد و یا مثلاً أدله ای بر حرمت ربا داریم اما دلیلی آمده و می گوید "لا ربا بین الوالد و ولده" که این دلیل بر أدله حرمت ربا حکومت دارد و دائره آن را تضییق می کند، گاهی حکومت نفی موضوع است و گاهی نفی محمول است یعنی در عقد الوضع و یا عقد الحمل دلیل محکوم تصرف می کند، گاهی نتیجه تضییق است مثل همین "لا ربا بین الوالد و ولده" که ربا را تضییق می کند پس این حکومت است و نتیجه اش تضییق دائره محکوم می باشد و گاهی نتیجه توسعه می باشد مثلاً می گوید "المسافر المقیم عشرة أيام متوطن" مسافری که قصد اقامت ده روز کرده باید نمازش را تمام بخواند یعنی مسافری که قصد اقامت ده روز کرده تنزیل شده به منزله متوطن که خب در واقع توسعه داده شده، علی أي حال در مانحن فيه "لا جهاد إلا مع امام عادل" بر عمومات جهاد حکومت دارد اما بحث در این است که آیا مراد از امام عادل فقط معصوم است که اگر اینطور باشد در زمان غیبت او جهاد نداریم کما قال به صاحب ریاض و صاحب مسالک یا اینکه مراد فقط امام معصوم نیست بلکه نائب الغيبة یعنی فقیه نیز مراد می باشد کما قال به صاحب الجواهر و بعد ایشان فرموده أدله ای که دال بر ولایت فقیه هستند حکومت دارند بر "لا جهاد إلا مع امام عادل" زیرا فقیه را به منزله ای امام تنزیل کرده است.

بقیه بحث بماند برای بعد از تعطیلات دهه آخر صفر إن شاء الله تعالی

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

^۱ جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۲۱، ص ۱۳.